

حاور سیاسی

از سقوط امپراتوری عثمانی تا به امروز

محسن میرزایی ۱۴۱



پیشینه تاریخی روابط ایران از زمان «کورش کبیر» آغاز می‌گردد. بنا بر نوشته «هرودت» تاریخ‌نویس مشهور یونانی، کورش کبیر از «آمالیس» Amalis فرعون مصر خواست تا بهترین چشم‌پزشک مصر را به دربار او در پاریس بفرستد، فرعون نیز یک چشم‌پزشک مصری را به دربار ایران فرستاد (در دنیا قدیم مشهورترین چشم‌پزشکان، مصری بودند) پس از کورش فرزندش «کمبوجیه» در ۵۲۵ پیش از میلاد، به سرزمین مصر نیرو فرستاد و «مفتیس» پایتخت آن کشور به دست سربازان پارسی گشوده شد. لیکن ایرانیان که خود از تمدنی والا برخوردار بودند در فتح مصر همچون ملتی غلب با مصریان رفتار نکردند. بلکه روابط آنها در حقیقت یک بده‌بستان فرهنگی بود.

مجموعه کتیبه‌های «هیروگلیف» یافت شده در «وادای حمامات» که مربوط به دوران سلطنت داریوش، خشایارشا و اردشیر اول است، اسناد معتبری از تعامل فرهنگی ایران و مصر درنهایت قدیم به‌شمار می‌رود. مهم‌ترین اثری که از دوره تسلط هخامنشیان در مصر گزارش شده چند تنه‌های است که رود نیل را به دریای سرخ متصل می‌ساخته و این

روابط ایران و مصر در عهد شاهان صفوی
شاه اسماعیل صفوی بنیانگذار سلسله صفوی، در سال ۱۵۱۶ میلادی، با سلطان مصر علیه امپراتور عثمانی در صدد استلاف برآمد و بدین منظور سفیری همراه یک نامه دوستانه و دو دست گلام و کنیز گرجی و توکمین به نزد سلطان مصر فرستاد. سلطان مصر پیششاه پادشاه ایران را پذیرفت و با سپاهی نزدیک ۳۰ هزار تن به استلاف سوریه پرداخت.

از این تاریخ روابط سیاسی ایران و مصر وارد مرحله جدیدی می‌شود. ظهور «محمدعلی کبیر» و تشکیل سلسله خدیوی مصر تقریباً مقرران تشکیل سلسله قاجاریه در ایران است. فرمائروایان مصری این دوره که «خدیو» نامیده می‌شدند نایب السلطنه امپراتور عثمانی بودند و با استقلال حکومت می‌کردند. در این دوره نیز روابط سیاسی و پیوندهای فرهنگی دو کشور توأم با احترام متقابل گرم و صمیمانه بوده است.

محمدعلی کبیر بنیانگذار «سلسله خدیوی مصر» با عباس میرزا نایب السلطنه رابطه و مکاتبه داشتند.

قرارداد ارض روم
 در زمان سلطنت محمدشاه (پدر ناصرالدین شاه قاجار) هیأتی به همراه میرزا تقی خان (امیرکبیر) از سوی وزیرخارجه ایران مأموریت

بود، محمدعلی پاشا خدیو، از عقل و فراستی که داشت به مرحوم ولیعهد عباس میرزا، طرح دوستی انداخته، همیشه مراده و مکاتبه داشتند که «حاجی حیدر خان، شمشیر مرصع برای ایشان آورد. حالا چه اتفاقی افتاده است که خدیو، با این پیش و دانش، به دولت ایران هیچ مراده ندارد سهل است، در اسلامبول بود، همین که تشریف فرمایی مرکب شاهنشاهی (ناصرالدین شاه) را از فرنگستان شنیدند، از اسلامبول رفتند. «خیری پاشا» در جواب رفتن اسلامبول گفت:

«می‌دانید که معذور بود ولی میل داشت که در اسلامبول شرف خدمت شاه (ناصرالدین شاه) را دریابد ولی در عدم مراده باید اول از جانب بزرگ اظهار و اتفاقی شود تا از این جانب هم اظهار بندگی بشود و جواب هر دو فخره را در دست داده، خیلی برد متین عاقلی است و گفت: همان رقم مرحوم ولیعهد (عباس میرزا) و همان شمشیر الان هم هست. بعد به «خیری پاشا» فرمان اعلی حضرت سلطان عبدالعزیز خان (امپراتور عثمانی) را که در توصیه و ترغیب من در آداب و حرمت و قراول احترام نوشته بود، به «خیری پاشا» داده و گفت: «اگر آن فرمان را می‌فرستاد، این همه احترام و مهرسانی حضرت «خدیو» که ظاهر شد، چنان استنباط می‌شد که به جهت حکم سلطان و امر فرمان اولی

سوم ذی القعدة سنه ۱۲۹۲، صبحی، «کمال پاشا» مشیر اداره «توفیق پاشا» آمده بود که من در یوز [اگر] خبر نکرده بودم به ملاحظه ادب بوده که کوچک به خانه برگ نمی‌گند و خیلی سرفراز می‌شوم که امشب را در خانه من شام میل بفرمایید. بعد که «حسن پاشا» آمد عذرخواست که «کمال پاشا» اشتباه کرده. شب شنبه است و به حساب فرنگی شب جمعه می‌شود نه شب جمعه اسلامی. امشب را باید به «تبار» تشریف ببرید که مخصوصاً برای تماشای شما چند روز است فراهم آورده اند.

بعاد ظهری، به باغ شبیری، رفتیم که در شمال شهر است. «محمدعلی پاشا» این باغ را ساخته است و عمارت بسیار خوبی ساخته اند، یکصد و بیست ستون مرمر یکپارچه دورتادور دارد، در مراجعت به «مدرسه شبمی» و «فیزیک» رفتیم.

دوستان نفر شاگرد بودند که معلمشان ماهیت «زرتیخ» را بیان می‌کرد.

ساعت ۳ از شب رفتیم، رفتیم «تبار» بسیار مجلل است، چهار طبقه

تاریخچه روابط سیاسی ایران و مصر



محمد علی کبیر مؤسس سلسله خدیوی مصر



شاهزاده عباس میرزا نایب السلطنه



شاهزاده فرهاد میرزا (معمدالدوله) پسر عباس میرزا نایب السلطنه



ناصرالدین شاه قاجار

کار توجه به امکانات آن روز گاران یکی از شاهکارهای صنعت و نشانه قدرت هخامنشیان است.

بعد از ظهور اسلام رابطه ایران و مصر وارد مرحله جدیدی شد. بویژه بعد از روی کار آمدن سلسله‌های اُمی و عباسی و بنی عباس و تحت تعقیب قرار گرفتن اهل بیت (سلام الله علیهم) طرفداران آنان بویژه سادات در جست و جوی پناهاگی به مصر و ایران مهاجرت کردند و در این دو کشور خصوصاً در مصر بنیانگذار حکومت مقتدری شدند که برای مدت چند قرن، رقیبی زورمند و تهدیدی بزرگ برای خلافت بغداد بود.

سلسله قاطمیان مصر برپاسای نهضت اسماعیلی و توسط مرادنی که ایرانی بودند به وجود آمد.

«عبدالله میمون» پایه‌گذار نهضت اسماعیلیه بود. نام این سلسله از آن جهت «قاطمیان» است که «خلفای قاطمی مصر» مدعی بودند که از نسل حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (سلام الله علیها) هستند. این سلسله از سال ۲۹۷ تا ۵۶۷ هجری قمری برقرار بود و در حدود ۲۷۰ سال در شمال آفریقا و بخشی از آسیای غربی (خاورمیانه) فرمانروایی کردند.

خلفای اولیه «قاطمیان» در شمال آفریقا مستقر بودند. سپس با فتح مصر به آن کشور منتقل شدند و شهر «قاهره» را یکی از خلفای قاطمی بنیان نهاد و بزودی قلمرو حکومتی آنان تا حجاز و یمن و شام و عراق گسترده شد. «خلفای قاطمی»، نیز مانند «خلفای عباسی» در اواخر فرمانروایی خویش با استفاده از غلامان جنگجوی اقوام ترک و زنگی و بربر و به کارگزاران آنها در کارهای حکومتی موجب انحطاط قدرت مرکزی و موجب سقوط خود شدند.

یافت که عهدنامه دوم «ارض روم» را امضا کنند. از جمله مواد عهدنامه مزبور این بود که «دولت ایران می‌توانست در هریک از شهرهای امپراتور عثمانی که دارای منافع تجاری باشد (به استثنای مکه و مدینه) کنسولگری تأسیس نماید.»

هشت سال بعد در سال ۱۸۸۵ میلادی، دولت ایران برای نخستین بار یک مأمور موقت به عنوان «مصلحت گذار» از سفارت خود در استانبول، به مصر فرستاد. در سالهای بعد یعنی در سال ۱۲۹۹ قمری اختلافاتی میان تجار ایرانی و گمرک مصر برسر واردات تنباکو پیش آمد که سفارت ایران «حاجی محمدصادق خان» را به عنوان «مصلحت گذار نایب» خود راهی مصر نمود.

در سال ۱۸۶۹ که کانال سوئز افتتاح گردید و شاهان و فرمائروایان جهان از سراسر دنیا برای شرکت در آن مراسم به مصر فرستادند. دستور ناصرالدین شاه، میرالممالک که از رجال طراز اول دربار قاجار بود در رأس هیأتی راهی اسکندریه شد.

در سالهای آخر سلطنت ناصرالدین شاه، با وجود آنکه ایران و مصر روابط سیاسی رسمی نداشتند هرگاه شخصیتی از ایران به مصر می‌رفت از سوی فرامی دریافتان کشور با تشریفات رسمی مورد استقبال و پذیرایی قرار می‌گرفت. شاهزاده فرهاد میرزا معتمدالدوله، پسر عباس میرزا نایب السلطنه در سفرنامه خود می‌نویسد: «روز پنجشنبه

است و هر چهار طبقه خوب است، چهل چراغ بزرگ از «گاز» آویخته که از مرمر به شکل شمع کافوری ساخته اند و از صد چراغ زیاده تر داشت. اول بازی «نورمه» را در آوردند. در این بازی چون زبان نمی‌دانستم از او چیزی معلوم نشد. این بازی ۲ ساعت و نیم طول کشید.

همه مجلس هم که می‌آمدند به اشاره دست و حرکات بود که در این بازی هیچ تکلم نمی‌کنند. افراد و اجتماع می‌رقصیدند و دقیقه به دقیقه تجدید می‌شد و صورت دیوهای مهیب عجیب و اشکال آوردند و پرده‌های مختلف کشیدند و آوردند، که کشتی در دریا در حالت غرق بود و برقی می‌زد و باران می‌آمد و هرو صاف شد و آفتاب درآمد و از دولت های اروپا که در دریا هستند پرده کشیدند و شکل پایتخت هارا نشان دادند. مثل «بوتر بورگر» و ایتالیا و اسلامبول و همگی لباس های فاخر پوشیده بودند و این یک دسته از ایتالیاست که شش ماه در مصر اقامت کرده، «خدیو» به اینها انعام و احسان می‌کند که تماشاخانه مصر بر سایر بلاد ترجیح داشته باشد.

لهذا هر جا که خواننده خوب و استاد است به مصر می‌آید و در این ۶ ماه زمستان که هوای مصر خوب است در تماشاخانه مصر که یک شب به زبان فرانسه و یک شب به زبان ایتالیاست، بازی در می‌آورند. مدیر آنجا یک نفر از اهل ایتالیاست که سالهاست در مصر خدمت «خدیو» سمت توکری دارد. درحالیته این صحنه از خاطرات «معتمدالدوله» یادداشتی نوشته است که از نظر تاریخچه روابط ایران و مصر اهمیت فراوان دارد. «شاهزاده فرهاد میرزا» می‌نویسد:

حالا چنان دانستم که محض انسانیت و معقولیت خودشان است و این‌ها ناله در تهران در خاکهای مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی آنچه لازم است خواهم گفت، «خیری پاشا» از دادن فرمان خیلی خیلی تشکر کرد و گفت: چه بهتر از این است که مانند شاکسی واسطه این دوستی مراده باشد که حضرت «خدیو» خیلی مایل به اخلاص رضایتی دولت ایران است. گفتیم تبار ایرانی که در اینجا هستند خیلی رضامندی دارند.»

در سال ۱۲۱۳ قمری که ناصرالدین شاه قاجار تور شد، عباس پاشا «خدیو مصر» تسلیت صمیمانه‌ای برای امپراتور ناصرالدین شاه فرستاد. متن نامه خدیو مصر و القاب و عناوین به کار برده شده در آن نشان می‌دهد که خدیو مصر تا چه اندازه خرم و حرمت شاه ایران را رعایت می‌کند.

توفیق پاشا در تسلیت به مظفرالدین شاه نوشت به خاکهای شوکت احتوای حضرت شاه اعظم مصر و القاب و عناوین به کار برده شده در آن نشان می‌دهد که خدیو مصر تا چه اندازه خرم و حرمت شاه ایران را رعایت می‌کند.

به خانواده عظیم الهجاء شاهانه دارم مقتضی چاکری دید که مراتب نهنیت احتوای حضرت شاه اعظم مصر می‌دارد. نظر به اقتضای عبودیت که داشته و از خدانود متشمنی شود که همواره تا جهان رامدار است، زنت افزای سیرت تاجداری بوده و فرق ناستحقاق این بنده را به ائمه انوار سلطنتی لامع فرماید.

خدیو مصر_ عباس

۶ سال قبل (یعنی ۱۲۳۳ هجری قمری _ ۱۹۴۴ سال پیش) که اوضاع دولت هاین طور نبود و دولت عثمانی محکم تر از حالا